گذر

کاهش بهای نفت و کسری بودجه عمان

● **واحد مرکزی خبر:** سلطان‌نشین عمان اعلام کرد: این کشور در بودجه عمومی سال۲۰۱۵ با کسری بودجه‌ای معادل شش‌میلیاردو۴۷۰میلیون‌دلار مواجه است. سلطان‌نشین عمان دیروز بودجه عمومی سال۲۰۱۵ را ارایه کرد که حدود شش‌میلیاردو۴۷۰میلیون‌دلار کسری داشت. اینکه این کشور حوزه خلیج‌فارس با کسری بودجه مواجه می‌شود، نشان می‌دهد کاهش بهای نفت بر این کشور نفت‌خیز، اما غیرعضو در سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)، تاثیر گذاشته است. وزارت دارایی سلطان‌نشین عمان دیروز اعلام کرد: هزینه‌های عمومی در بودجه سال۲۰۱۵ حدود ۳۶میلیاردونیم‌دلار پیش‌بینی شده که نسبت به سال۲۰۱۴ حدود چهارونیم‌درصد افزایش نشان می‌دهد. براساس این گزارش، میزان درآمدهای کشور در این بودجه نیز ۳۰میلیاردو۳۰میلیون‌دلار برآورد شده که نسبت به سال پیش ۰/۱درصد کاهش نشان می‌دهد. این میزان کسری که برای بودجه عمومی سلطان‌نشین عمان پیش‌بینی شده است، ۲۱درصد کل درآمدهای عمومی و هشت‌درصد کل تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل می‌دهد. این مساله از آنجا مهم است که سلطان‌نشین عمان یک‌میلیون بشکه در روز نفت تولید می‌کند. هزینه‌های جاری، ۶۸درصد کل هزینه‌های عمومی را در این بودجه به خود اختصاص داده است. بعد از هزینه‌های عمومی، سرمایه‌گذاری‌ها با ۲۳درصد کل هزینه‌های عمومی را در بودجه سال جدید به خود اختصاص داده‌اند. وزارت دارایی سلطان‌نشین عمان تاکید کرد در تخصیص اولویت‌های بودجه، بخش‌های اجتماعی کشور در اولویت هستند. در بخش دیگر از گزارش وزارت دارایی سلطان‌نشین عمان تصریح شده است؛ با توجه به آنکه درآمدهای نفتی حدود ۷۹درصد درآمدهای بودجه‌ای این کشور را تشکیل می‌دهد، مسقط مجبور شده برای جلوگیری از بی‌ثباتی اقتصادی و مالی تدابیر اقتصادی و مالی ریاضتی به اجرا بگذارد.

امیرعبداللهیان: سکوت عربستان در برابر قیمت نفت اشتباه است

● **ایرنا:** معاون وزیر امورخارجه ایران در گفت‌وگو با رویترز، سکوت عربستان از شش‌ماه گذشته تاکنون در جلوگیری از کاهش قیمت نفت را یک اشتباه جدی و استراتژیک خواند و تاکید کرد که این مساله آثار منفی بر همه کشورهای منطقه خواهد داشت. حسین امیرعبداللهیان افزود: کاهش قیمت نفت به کشورهای خاورمیانه لطمه خواهد زد مگر آنکه عربستان برای خنثی کردن این روند نزولی قیمت، اقدامی را انجام دهد. قیمت نفت در معاملات روز چهارشنبه به کمتر از ۵۵دلار در هر بشکه رسید که پایین‌ترین حد در پنج‌سال‌ونیم گذشته است. وی ادامه داد: کاهش قیمت نفت دلایل زیادی دارد اما عربستان سعودی می‌تواند برای ایفای نقشی سازنده در این وضعیت اقداماتی را انجام دهد. امیرعبداللهیان به رویترز گفت: ایران از طریق مقام‌های اوپک و وزارت امورخارجه، گفت‌وگوهای بیشتری با عربستان درباره قیمت نفت انجام خواهد داد.

روزی یک میلیون بشکه نفت مازاد وارد بازار می‌شود

● دولت آمریکا با آزادی‌سازی صادرات نفت این کشور جبهه تازه‌ای را در نبرد جهانی بر سر سهم بازار نفت گشود و تقریبا راه را برای صادرات تقریبا روزانه یک‌میلیون‌بشکه نفت سبک به بازارهای غربی هموار کرد. ادمورس، تحلیلگر نفتی در نیویورک گفت: در عمل، این اقدام که از مدت‌ها قبل همه منتظرش بودند، می‌تواند راه را برای افزایش قابل‌توجه صادرات تا پایان سال۲۰۱۵میلادی هموار کند. آزادسازی صادرات نفت آمریکا در برهه حساس بازار جهانی نفت انجام شده است. بهای نفت از تابستان امسال تاکنون به کمتر از ۶۰دلار در هربشکه سقوط کرده زیرا عربستان که زمانی مدافع سرسخت نفت صددلاری بود، در مواجهه با افزایش تولید نفت شیل آمریکا و کاهش تقاضای جهانی با کاهش تولید مخالفت کرده است. دولت آمریکا با گشودن درهای صادرات نفت این کشور شرایط را برای تولیدکنندگان داخلی که معتقدند مجبور به فروش نفت شیل با تخفیف ۱۵دلاری نسبت به بازارهای جهانی هستند، آسان‌تر کرده است. در سال۱۹۶۷ یک‌روز پس از جنگ شش‌روزه اعراب با رژیم صهیونیستی، کشورهای عربی صادرکننده نفت در اقدامی مشترک تصمیم گرفتند برای جلوگیری از حمایت کشورهای غربی از ارتش اسراییل، صادرات نفت را متوقف کنند. چندکشور خاورمیانه عرضه نفت خود را محدود کردند و برخی فقط آمریکا و انگلیس را تحریم و عده‌ای نیز صادرات نفت خود را به‌طور کامل متوقف کردند. در پی این اقدام کشورهای عربی، آمریکا در دهه۱۹۷۰ برای جلوگیری از کمبود نفت در این کشور صادرات نفت را ممنوع کرد. این اقدام شفاف‌ترین نشانه است مبنی بر اینکه دولت آمریکا آماده صدور مجوز برای ورود نفت شیل آمریکا به بازارهای جهانی است. حفاری‌های نفت شیل در آمریکا طی شش‌سال گذشته این کشور را به یک تولیدکننده بزرگ انرژی تبدیل و تولید نفت این کشور را بیش از ۵۰درصد افزایش داده است.

پیشنهاد رییس پیشین سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی برای نحوه تدوین برنامه ۵ساله

اشتغال، پارادایم برنامه ششم باشد

توسعه‌یافتگی با کارآمدتر و کوچک‌ترشدن سازمان مدیریت قابل‌تحقق است

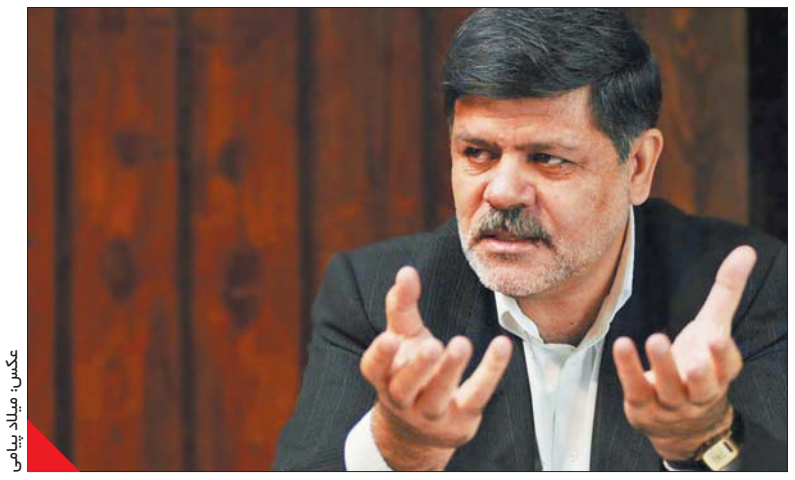

عکس: میلاد پیامی

فرزانه طهرانی: رییس پیشین سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور این‌روزهای خود را در آمریکا به پژوهش می‌گذراند. حمیدرضا برادران‌شرکاء که در دولت دهم جزو مجموعه استادانی بود که سریالی بازنشسته شدند؛ اکنون به تدریس و پژوهش در فلوریدا می‌پردازد. او به‌همراه محمد ستاری‌فر، رییس سازمان منحل‌شده مدیریت و برنامه‌ریزی، علی صادق‌تهرانی، بهروز هادی‌زنوز، محمود ختایی، رضا عاصی و دکتر جهرمی از اعضای هیات‌علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه از جمله افرادی بودند که در دی‌ماه ۸۸ بازنشسته شدند. این امر البته با اعتراض شدید استادان مزبور همراه شد و کار به مجلس نیز کشیده شد. اما هیچ اتفاقی نیفتاد و با کنارگذاشتن این استادان «گروه توسعه» دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه نیز منحل شد. تماس با شرکاء با چند درخواست کتبی سرانجام محقق شد و وی به گرمی پرسش‌های ما را تلفنی پاسخ داد. صحبت از چگونگی تدوین برنامه ششم آغاز شد اما گریزی نبود از صحبت درباره سازمانی که در سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۴ او ریاستش را برعهده داشت و در دولت بعد به دستور رییس وقت دولت منحل شد. او می‌گوید: هنوز ماجرای حذف سازمان برای من مبهم است. اینکه بگویند وجود سازمان مدیریت ضرورت نداشته و به این دلیل آن را باید حذف کرد برای من قابل‌پذیرش نیست. به همین دلیل و البته با ذکر دلایل دیگر شرکاء اعتقاد به احیای هرچه‌سریع‌تر این سازمان دارد. به نظر او تابه‌حال نیز دولت تاخیر زیادی داشته است. شرکاء البته تاکید می‌کند سازمان جدید باید کوچک‌تر، کاراتر و فعال‌تر باشد اما برای داشتن چنین سازمانی می‌توان پس از احیا، اصلاحات را در طول زمان انجام داد. اما حضور این سازمان مدیریتی در مراحل تدوین برنامه ششم توسعه کشور را امری الزامی خواند. شرکاء به‌عنوان معاون اقتصادی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳ در زمان تدوین برنامه‌ای حضور داشت که دولت بعد آن را بلندپروازانه لقب داد و از اجرای آن خودداری کرد. وقتی صحبت به ایرادات واردشده به برنامه چهارم کشید، شرکاء با تاکید بر اینکه اگر برنامه میان‌مدت بلندپروازانه نباشد، توسعه‌یافتگی ایجاد نمی‌کند، به دولت توصیه می‌کند که اهداف برنامه چهارم توسعه، محور اصلی تدوین برنامه پنج‌ساله ششم قرار گیرد. او همچنین اشتغال را پارادایم برنامه ششم دانسته و معتقد است؛ حول محور ایجاد اشتغال، تولید شکل گرفته و توسعه‌یافتگی حاصل می‌شود. مشروح راهکارهای حمیدرضا برادران‌شرکاء رییس سابق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی را در ادامه می‌خوانید:

◣ در اینکه نظام برنامه‌ریزی ما دارای اشکالاتی است در محافل اقتصادی اتفاق‌نظر وجود دارد، اما بحث درباره ایرادات ساختاری اکنون مورد نظر این گفت‌وگو نیست. از برنامه‌چهارم شروع کنیم. اینکه چه عواملی سبب شد این برنامه به اهداف پیش‌بینی‌شده نرسد؟

اگر به خاطر داشته باشید از ابتدای سرکارآمدن دولت‌نهم بحث بر سر این بود که برنامه قابل پیاده‌شدن نیست. البته دولت‌هشتم که این برنامه را تصویب کرده بود، به‌طور جد دنبال اجرایی‌کردن برنامه‌چهارم بود اما اجرا با تغییر دولت، به دولت‌نهم موکول شد. متاسفانه دولت قبلی اساسا اعتقادی به اجرایی‌شدن برنامه نداشت، بنابراین با چنین ذهنیتی حتی اگر قصد به اجرا هم داشته باشید، موفق نخواهید بود. نبودن سازمان هم در آن دوره می‌تواند به عنوان دلیل مکمل عدم توفیق برنامه محسوب شود؛ چرا که نظارت و هماهنگی برعهده سازمان مدیریت بود. با همه اینها این موارد دلیلی بر اجرایی‌نبودن و مشکل‌داربودن برنامه‌چهارم نبود. هم‌اکنون که برنامه‌ششم در دست تدوین است، خوب است مبنا برنامه‌چهارم باشد. برنامه‌چهارم حاصل کار تمام کارشناسانی بود که در آن دوره روی تک‌تک بندهای آن مطالعات و بررسی‌های مفصل داشتند. بنابراین برای صرفه‌جویی در زمان، اساس می‌تواند برنامه‌چهارم باشد. البته این به معنی آن نخواهد بود که این برنامه بدون هر اصلاحی در دستور کار قرار گیرد. می‌توان با توجه به شرایط جدیدی که در داخل و خارج از کشور به‌وجود آمده است، اصلاحاتی را در برنامه اعمال و اهداف را بازتعریف کرد.

◣ در سال‌هایی این برنامه اجرا شد که ما بیشترین درآمد نفتی را داشتیم. پس چرا باز هم بین منابع و مصارف فاصله زیادی به‌وجود آمد؟

به‌طورقطع یکی از دلایل این اتفاق عدم اعتقاد دولت به برنامه تدوین شده چهارم بود. پیش از اینکه پرسش شما را پاسخ دهم باید بگویم اگر سازمان برنامه‌ریزی برای خیلی از کشورها ضرورت نداشته باشد برای ایران که کشوری نفت‌خیز است و عمده درآمدهای سالانه خود را از این منبع خدادادی تامین می‌کند؛ وجود سازمان برنامه یک الزام است. برای آنکه استفاده از این منابع مساله‌ساز نشود باید سازمانی به نام برنامه‌ریزی این خرج و دخل‌ها را مدیریت کند. در سال‌های گذشته یعنی در طول ۵۰ تا ۶۰سال قبل نیز اگر این سازمان وجود نداشت، نمی‌توانستیم شاهد اجرای طرح‌های توسعه‌ای که طی دوره مورد اشاره انجام شد، باشیم.

◣ دولت نهم و دهم همواره ایراداتی به برنامه‌چهارم وارد می‌دانست و آن را غیرقابل اجرا می‌خواند. چقدر ایرادات وارد شده به این برنامه که لقب بلندپروازانه را از سوی دولت قبلی دریافت کرده بود، قبول دارید؟

اساسا برنامه و برنامه‌ریزی باید بلندپروازانه باشد؛ چراکه قدم‌های بلندی را برای توسعه کشور باید برداشت. اگر بنا باشد که با اهداف نزدیک و سهل‌الوصول پیش رود قطعا توسعه‌ای اتفاق نخواهد افتاد. برنامه می‌خواهد شما را با یک سرعت بیشتر به سمت توسعه حرکت دهد؛ بنابراین باید با برنامه‌های کوتاه مدت تفاوت‌هایی داشته باشد. فرض کنید ۱۰ هدف در برنامه میان مدت پیش‌بینی می‌شود. اگر در برنامه به هفت هدف دست یافتیم و منابع برای باقی اهداف کفایت نکرد، سه هدف باقیمانده را می‌توان در برنامه بعد دنبال کرد. اما به‌دلیل آنکه، این اهداف بلندپروازانه است از اجرای آن صرف‌نظر کنیم؛ اقدامی منطقی نخواهد بود. کاری که البته دولت نهم انجام داد. نکته بعد درباره برنامه‌چهارم آن بود که منطبق بر اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ساله کشور بود. در سند چشم‌انداز اهدافی آرمانی پیش‌بینی شده است. اینکه رشد اقتصاد کشور به هشت‌درصد برسد به‌عنوان نخستین قدرت منطقه شناخته شده و دارای اقتصادی مولد و رقابتی شود، همه اهدافی آرمانی به شمار می‌روند. بنابراین برای دستیابی به این اهداف باید قدری در برنامه‌های پنج‌ساله و میان‌مدت بلندپروازی وجود داشته باشد تا به هدف غایی سند دست یابیم. اما اینکه در برنامه‌چهارم منابع به دست آمده به صورت بهینه استفاده شده است یا خیر را باید با یک بررسی کامل نظر دهیم. شناسایی خطاها نیاز به انجام کاری نظارتی دارد که البته نمی‌دانم این کار صورت گرفته است یا نه، ولی اگر صورت گرفته باید دید کدام‌یک از بخش‌ها قابلیت اجرا نداشته و کدام‌یک را به‌طور کل اجرا نکرده‌ایم. این نکات را باید در گزارش‌های کارشناسی دید. در برنامه سوم گزارش مفصلی داشتیم که نقاط قوت و ضعف برنامه را مشخص کرده بودیم. بنابراین بهترین راه برای قضاوت درباره برنامه‌چهارم نیز بررسی و تهیه چنین گزارش کارشناسی خواهد بود.

◣ برنامه‌چهارم در شرایطی تدوین شد که نهادی به عنوان سازمان مدیریت در تدوین آن ایفای نقش کرد اما در برنامه پنجم از این نهاد هم خبری نبود. پنجمین برنامه توسعه‌ای را از نظر ساختاری چگونه ارزیابی می‌کنید؟

همان‌طور که اشاره کردم اظهارنظر درباره برنامه نیازمند یک کار کارشناسی است؛ یعنی سازمان مدیریت باید بررسی کند و سپس گزارشی تهیه شود. از این رو گمان می‌کنم اظهارنظر کلی درباره برنامه پنجم نمی‌تواند منطقی و اصولی باشد بنابراین درحال‌حاضر و بدون تهیه گزارش کارشناسی نمی‌توانم ارزیابی درباره برنامه پنجم داشته باشم.

◣ در هر حال در دو گام از چهار گام برنامه چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور ناموفق بوده‌ایم. به نظر شما برنامه ششم با چه ویژگی‌هایی می‌تواند ما را به اهداف چشم‌انداز نزدیک کند. آیا با توجه به شرایط داخلی و بین‌المللی کشور توان رسیدن به این اهداف طی دو برنامه وجود خواهد داشت؟

ما در برنامه‌چهارم ۱۲ محور اصلی از سند چشم‌انداز ۲۰ساله را استخراج کرده و آن را مبنای تدوین برنامه قرار دادیم. به نظر می‌رسد برای برنامه ششم نیز باید چنین کاری صورت گیرد. به همین دلیل هم معتقدم برنامه‌چهارم می‌تواند پایه خوبی برای تدوین برنامه ششم باشد. مشکل اصلی در اقتصاد ایران، بیکاری است. به نظر می‌رسد اگر نگوییم اشتغال پارادایم برنامه ششم باید باشد؛ یکی از اهداف اصلی این برنامه خواهد بود. وقتی از اشتغال صحبت می‌کنیم باید برای دستیابی به اهداف آن زیربنای لازم جهت انجام فعالیت‌های مولد در وهله اول فراهم شود. در نتیجه اینجا رشد اقتصادی به عنوان برنامه محوری مدنظر قرار می‌گیرد و برای تحقق آن سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و... باید حول این محور اتخاذ شود تا نهایتا به ایجاد اشتغال بیشتر بینجامد. درحال‌حاضر بستر مناسب برای این توسعه وجود دارد و تنها نیازمند مدیریتی سریع هستیم تا اقتصاد موجود را به اقتصاد مدرن تبدیل کنیم. برای حصول این مهم نیز باید روابط بخش‌های مختلف اقتصاد را در سطح بین‌الملل ارتقا دهیم و برای این منظور هم بهبود روابط با جهان اولویت نخست خواهد بود. رفته‌رفته باید امنیت سرمایه‌گذاری را برقرار کنیم تا شاهد رشد سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی در کشور باشیم. ما تنها نیازمند جذب سرمایه نیستیم باید مدیریت، تکنولوژی و تجربیات دیگر اقتصادهای دنیا را نیز وارد کنیم و برای دسترسی بیشتر به بازارهای بین‌المللی برنامه‌ریزی کنیم. بنابراین باید فعالیت‌های جوینت ونچر (venture joint) را به سرعت گسترش دهیم که این مستلزم بهبود روابط بین‌المللی، به‌کارگیری سرمایه انسانی و استفاده از سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در راستای تربیت نیروی متخصص است. پس تمام فعالیت‌ها اگر حول محور اشتغال صورت گیرد می‌توان اقتصاد را به سمت قابل قبول رهنمون کرد و به این ترتیب هم سرمایه‌گذاری‌ها افزایش یافته، هم اقتصاد توسعه‌یافته‌تر شده و هم سطح زندگی ارتقا خواهد یافت. از این رو برنامه ششم باید متکی به مسایل اساسی باشد. چندان مهم نیست که وارد جزییات شویم. کافی است اصول اساسی و کلی در برنامه میان‌مدت تعریف شده و جزییات در برنامه‌های کوتاه‌مدت و مرحله اجرا دیده شود.

◣ برخی کارشناسان اما نقطه ضعف برنامه‌های توسعه‌ای پیشین را جامع بودن آن عنوان می‌کنند. این دسته از تحلیلگران معتقدند برنامه باید جزئی‌تر و قابل به برنامه‌های هسته‌ای خط دهنده باشد.

پرسش این است که چرا برنامه‌ریزی می‌کنیم؟ برنامه بر اساس یک سری اهداف تنظیم می‌شود. این برنامه باید قابلیت اجرایی پیدا کند. ما در بخش اجرا نیاز به هسته‌ها پیدا می‌کنیم. به‌عنوان مثال در برنامه‌چهارم گفتیم باید برنامه‌ریزی منطقه‌ای داشته باشیم. در هر استان برنامه مشخصی برای استان موردنظر بنا بود تعریف شود. به عبارت ساده‌تر سند چشم‌انداز ۲۰ساله را با یک سری اهداف کلی تعریف می‌کنیم. سپس اهداف این سند جامع را در چهار برنامه پنج‌ساله توسعه‌ای به صورت ریزتر دنبال کرده و در برنامه‌های یک‌ساله و در اجرا آن را به صورت کاملا جزئی‌نگر عملیاتی می‌کنیم. اگر تجربه سایر کشورها را نگاهی بیندازیم هم مشاهده خواهیم کرد که در برنامه‌های میان‌مدت وارد جزییات نمی‌شوند. بسیاری از کشورها برنامه‌های‌شان را در شورایعالی برنامه‌ریزی یا شورای اقتصاد تدوین می‌کنند. اهداف را بنا به شرایط روز و منابع موجود بازتعریف می‌کنند. به عبارت دیگر هسته‌های برنامه‌ریزی می‌تواند در مجموعه سازمان مدیریت و همچنین در نحوه اجرای برنامه‌ها توسط دستگاه‌های اجرایی وجود داشته باشد اما در اهداف کلان به این جزییات پرداخته نشود.

◣ برنامه سوم را طرفداران بازار تدوین کردند و برنامه‌چهارم را نهادگرایان، با توجه به تجربیات برنامه سوم و چهارم، برنامه ششم توسعه با چه دیدگاه علمی باید تدوین شود؟

من تصور می‌کنم باید بر اساس همان دیدگاهی که برنامه‌چهارم تدوین شد برای برنامه ششم نیز اقدام شود. بنابراین باید بخشی از برنامه ششم در جهت اصلاح نهادهای لازم برای توسعه کشور در نظر گرفته شود. برای اینکه بتوانیم برنامه‌هایمان را اجرایی کنیم مستلزم ایجاد نهادهای لازم برای توسعه‌یافتگی در کشور هستیم. مثلا اگر نیازمند این هستیم که فعالیت‌های اقتصادی را پشتیبانی کنیم و از سرمایه‌گذاری افراد حمایت کنیم باید نهاد مالکیت را تعریف دقیق کنیم و نهادهای پولی و مالی مدرن را در ایران ایجاد کنیم یا برای ارتباط با اقتصاد جهانی و دعوت از سرمایه‌گذاران خارجی نیز نیاز به برنامه‌های نهادی داریم.

◣ آیا بر اساس الگوی موفقی این نوع از برنامه را پیشنهاد می‌دهید؟

اگر بخواهیم الگوی موفقی را در نظر بگیریم به نظرم کره جنوبی می‌تواند الگوی مناسبی باشد و استفاده از تجربیات آنها بسیار می‌تواند ما را در پیمودن راه توسعه‌ای یاری رساند. این کشور آسیایی تجربیات بسیار خوبی در تربیت نیروی انسانی، فعالیت‌های صنعتی و پیشبرد اقتصاد خود دارد که می‌تواند الگوبرداری از آن به کمک اقتصاد ایران آید.

ادامه در صفحه ۱۹

خبر

ریالی از یارانه تولید امسال پرداخت نشده است

● **فارس:** سخنگوی کمیسیون صنایع مجلس با بیان اینکه وزارت صنعت، معدن و تجارت به ناکجاآباد می‌رود، گفت: استراتژی صنعتی این وزارتخانه مشخص نیست و با گذشت ۱۰ماه از سال، هنوز مبلغی از یارانه‌های بخش صنعت به تولیدکنندگان پرداخت نشده است. روح‌الله عباسپور با اشاره به بررسی طرح رفع موانع تولید رقابتی در مجلس، اظهار کرد: مواد یک تا ۱۱ این طرح در صحن مجلس به تصویب رسیده و امیدواریم به‌زودی شاهد تصویب همه ۳۰ ماده این طرح باشیم. وی توضیح داد: در این طرح به حمایت مالی از بخش تولید توجه شده و مسایلی مانند نظام بانکی، اوراق مشارکت و همچنین روش‌های تامین مالی بخش تولید مورد توجه قرار گرفته است. سخنگوی کمیسیون صنایع مجلس در ادامه با اشاره به بررسی لایحه بودجه ۹۴ در کمیسیون‌های تخصصی مجلس، گفت: لایحه بودجه بخش صنعت و معدن نیز در کمیسیون صنایع مجلس در حال بررسی است که یکی از این موارد، اختصاص ۱۰درصد از منابع صندوق توسعه ملی به بخش صنعت و حمل‌ونقل و ۱۰درصد نیز به بخش کشاورزی به شکل ریالی است. وی با بیان اینکه در قانون بودجه ۹۳ نیز این مساله دیده شده بود، اظهار کرد: دولت این مصوبه قانونی را اجرا نکرد و با این بهانه که باید از ورود نقدینگی به بازار جلوگیری شود، یارانه‌ای به تولیدکنندگان پرداخت نشد. عباسپور تصریح کرد: با گذشت ۱۰ماه از سال، هنوز مبلغی از یارانه‌های بخش صنعت به تولیدکنندگان پرداخت نشده است.

انتقاد از خدمات پس از فروش خودروهای وارداتی

● **ایسنا:** رییس انجمن ملی حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان گفت: بسیاری از شرکت‌های واردکننده خودرو خدمات پس از فروش مناسبی به خریداران محصولات خود ارایه نمی‌دهند. محمد جعفری اظهار کرد: برخی از خودروهای وارداتی توسط واردکنندگان متفرقه وارد شده و اساسا فاقد خدمات ضمانت (گارانتی) هستند. وی با بیان اینکه خریداران این خودروها در زمان خرابی خودرو با مشکل خدمات گارانتی مواجه می‌شوند، خاطرنشان کرد: علاوه‌بر آن مالکان خودروهای دارای گارانتی به خدمات پس از فروش مناسبی دسترسی لازم را ندارند.